



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

حوزه علمیه معصومیه (سلام الله علیها) شهرستان شیراز

سطح دو

عنوان

بررسی مسائل اشتغال زنان

پژوهشگر

آرزو غلامزاده، لیلا مشغول الذکر، سمیه آهنگران

بهار ۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحميديه

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على خاتم النبيين محمد المصطفى و آله الطاهرين و على جميع الانبياء و المرسلين و علينا و على عباد الله الصالحين و على ما أنعم و الشكر له على ما أولى و الصلاه و السلام على الهادى إلى الرشاد و أفصح من نطق بالضاد سيدنا و نبينا أبى القاسم محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين.

تقدیم به

آخرین فرستاده الهی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اولین بانوی اسلام خدیجه کبری سلام الله
علیها که حاصل پیوندشان، فاطمه زهرا سلام الله علیها، بهانه خلقت افلاک بوده.

چکیده

جهان امروز شاهد توسعه، پیشرفت و صنعتی شدن کشورها، تکثر فعالیت ها و تخصصی شدن مشاغل است. دانش بنیان شدن جوامع پیشرفته، تغییر وضعیت فعالیت ها از کار بدنی به فعالیت های فکری، تاثیر شگرف ابتکار و خلاقیت و نوآوری بر نیروی بدنی و پیدایی مشاغل فکری در کنار مشاغل فیزیکی و یدی، توسعه نظام آموزش و پژوهش و فناوری و برقراری نظام دانایی محور از مهم ترین شاخص های این عصر است. نگاهی گذرا به جهان معاصر از ورود زنان به حوزه دانش و پژوهش و فناوری، دستیابی به توانایی های بالای علمی و تحصیل هنرها و مهارت های مهم صنعتی و فنی، و در مواردی ربودن گوی سبقت از مردان حکایت دارد. از سوی دیگر، سیاست های حمایتی دولت های جدید و در زمینه حمایت از مشاغل زنان، به عهده گیری بسیاری از کارکردهای خانواده از جانب دولت و نیز نهادهای مردمی خصوصی، کاهش فعالیت های خانه داری به دلیل وجود وسایل پیشرفته و صنعتی و در نتیجه آزاد شدن وقت زنان در خانه، و از سوی دیگر، افزایش هزینه های زندگی در شهرهای صنعتی موجب شده است تا زنان به اشتغال بیرون از خانواده روی آورند. خانواده به معنای خاص، نخستین جمعی است که انسان از بدو ولادت در آن گام می نهد و به عضویت این واحد در می آید و در آن آداب زندگی، اصول و رسوم اجتماعی همانند تعاون و فداکاری را فرا می گیرد: چه آنکه خانواده مرکز حفظ سنن ملی و اخلاق اجتماعی و پایگاه ساخت شخصیت و تلطیف عواطف و احساسات انسانی است. بنابراین به نیکی می توان معتقد شد تمام هنجار و ناهنجاری افراد هر جامعه به نحوی ریشه در خانواده دارد و فقدان این کانون مقدس، سبب بروز تباهی و فساد، تیره روزی و سرگردانی نوع بشر می گردد.

کلید واژه: خانواده، اشتغال، جامعه، زندگی.

مقدمه

بدون تردید خانواده در مفهوم خاص خود، هسته ی مرکزی و واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، که قدمت این گروه یا به عبارت دیگر «اجتماع طبیعی» را می توان در دوران آغاز زندگی بشر جستجو کرد.

خانواده به معنای خاص، نخستین جمعی است که انسان از بدو ولادت در آن گام می نهد و به عضویت این واحد در می آید و در آن آداب زندگی، اصول و رسوم اجتماعی همانند تعاون و فداکاری را فرا می گیرد: چه آنکه خانواده مرکز حفظ سنن ملی و اخلاق اجتماعی و پایگاه ساخت شخصیت و تلطیف عواطف و احساسات انسانی است. بنابراین به نیکی می توان معتقد شد تمام هنجار و ناهنجاری افراد هر جامعه به نحوی ریشه در خانواده دارد و فقدان این کانون مقدس، سبب بروز تباهی و فساد، تیره روزی و سرگردانی نوع بشر می گردد. این مرکز به ظاهر کوچک اما مهم و با ارزش، که اصولاً بر پایه ی تمایلات جنسی زن و مرد و همچنین بر اساس محبت ذاتی شکل می گیرد، در حفظ و نگرش قدرت ملی، نقشی عظیم و مؤثر دارد.

اشتغال زنان؛ عوامل؛ پیامدها و رویکردها

یکی از عرصه های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات خود دامنه وسیعی را از تغییر باورها و انگاره های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش های فردی، خانوادگی و اجتماعی در بر می گیرد.

اشتغال زنان اما، در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تاثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سوی، و عرصه های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله ای تبدیل گردد که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. بدیهی است مواجهه اثرگذار و حکیمانه با چنین موضوعی مستلزم نگاهی جامع الاطراف و چند وجهی به آن است.

پدیده اشتغال زنان را از ضرورت های جامعه مدرن دانسته اند، بدیهی است این سخن به معنای آن است که تحولات و تغییرات در برخی یا اکثر مفاهیم و ساختارهای اجتماعی، الگوها و نقش اجتماعی زنان را دستخوش تغییر کرده است. به بیان دیگر، اشتغال زنان افزون بر اینکه پدیده ای چندوجهی است، از ساختارهای روبنایی اجتماعی نیز به شمار می آید، در نتیجه، پژوهش، مدیریت و برنامه ریزی برای اشتغال زنان بدون توجه به سلسله علل و عوامل اثرگذار بر آن امکان پذیر نیست.

در عین حال، اشتغال زنان، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، پیامدها و تاثیرات اجتماعی ای خاص دارد. توجه به تاثیرات پدیده های اجتماعی یکی از مهم ترین مولفه های مدیریت این پدیده هاست.

اهمیت بحث درباره اشتغال زنان

در سراسر تاریخ همواره به زنانی برمی خوریم که ضرورت های اقتصادی و اجتماعی، آنان را به تکاپوی اقتصادی و اشتغال کشانیده است. تفاوت سده اخیر با اعصار گذشته این است که دگرگونی های ساختاری در حوزه اقتصاد که به کاهش قدرت خرید و تغییر الگوی مصرف انجامید، ضرورت اشتغال زنان را بیش از گذشته مطرح ساخت، افزون بر این، دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی اشتغال را از نیاز اقتصادی برای بخشی از زنان به مطالبه بسیاری از آنها تبدیل کرد. اکنون اشتغال زنان، هم در ادبیات توسعه و هم در علوم اجتماعی یکی از موضوعات پر دامنه است، تاثیر بهره گیری از نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مشارکت اقتصادی زنان به مثابه شاخص توسعه یافتگی در ادبیات توسعه کانون بحث قرار می گیرد، چنان که در علم جامعه شناسی تاثیر متقابل اشتغال زنان و هویت جنسیتی، الگوی تفکیک نقش ها، ساختار خانواده، و سبک های زندگی به بحث گذاشته می شود، در این میان، جامعه شناسی خانواده بیش از دیگر رشته ها و بحث درباره اشتغال زنان توجه کرده است.

کارشناسان دیگر علوم انسانی نیز به بررسی این موضوع علاقه مندند، بیش از همه، کارشناسان علم اقتصاد به موضوع اشتغال زنان به لحاظ تاثیر آن بر الگوی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی خانوار، و همچنین تاثیر آن بر اقتصاد ملی و جهانی می پردازند، روان شناسان نیز به بررسی تاثیرات مثبت و منفی اشتغال، یعنی تاثیر آن بر احساس عزتمندی و کامیابی، یا تاثیرات روانی برخاسته از فشار نقش و تعارض نقش های خانگی و اشتغال علاقه مندند.

اشتغال زنان به منزله یک مسئله اجتماعی،^۱ موضوعی میان رشته ای است که با حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی مرتبط است.

گذشته از دغدغه دانشوران در حوزه های یاد شده بررسی موضوع اشتغال زنان برای فمینیست ها، به ویژه فمینیست های موج دوم، نیز موضوعی جذاب و پر اهمیت بوده است. از نگاه آنان قدرت، شخصیت و حیثیت در جوامع امروزی برخاسته از فعالیت های بیرون از خانه است و زنان برای دسترسی برابر به این مزایا باید در امور اقتصادی مشارکت کنند.^۲ رابطه میان کار و رهایی زنان و ارتباط میان اشتغال زنان و تقسیم جنسی کار در خانه و در اجتماع مورد توجه آنان است،^۳ در این میان، فمینیست های مارکسیست به موضوع رابطه جایگاه زنان در بازار کار با نیازهای سرمایه داری توجه ویژه ای کرده اند.^۴ اما فمینیست های رادیکال

^۱ - محمد عبداللهی، طرح مسائل اجتماعی در ایران، اهداف و ضرورت ها، مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۰.

^۲ - پاتریک نولان و گرهارد لسنکی، جامعه های انسانی، ترجمه ناصر موفقیان، ص ۴۶۴.

^۳ - پاملا ابوت و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، ص ۱۷۱-۲۰۶.

^۴ - همان، ص ۲۰۲.

بر پاسخ به این پرسش تمرکز یافته اند که مردان چگونه با تعریف کار خانگی زنان و منع آنان از ورود به سپهر عمومی به مرد سالاری اقتدار می بخشند، و کارفرمایان مرد و اتحادیه های کارگری مرد سالار از چه شیوه هایی برای کنترل زنان شاغل بهره می گیرند.^۱ از نگاه فمینیست ها اشتغال زنان عامل مهمی است که می تواند با ارائه الگویی جدید از روابط پدر و مادر، ذهنیت فرزندان را درباره الگوی تقسیم کار جنسیتی تغییر دهد و نگرش های سنتی را از ذهن آنان بزداید.^۲ همچنین اقتدار اقتصادی زنان می تواند با افزایش خود باوری و فزونی امکانات مادی، معاملات قدرت اجتماعی را به نفع آنان تغییر دهد.

اگر در جامعه کارشناسان دینی که مسئولیت تحلیل پدیده های اجتماعی، نقد عالمانه سیاست ها و برنامه ها، تبیین دیدگاه اسلامی و ارائه اصول و سیاست های دینی را بر عهده دارند، به موضوع اشتغال زنان بنگریم، آن را با توجه به علل و عوامل و آثار و پیامدهایش با اهمیت می یابیم، زیرا اشتغال، در رابطه ای دو سویه، هم در تحولات هویت جنسی موثر است و هم خود از این تحولات تاثیر می پذیرد. پس می توان انتظار داشت که گسترش اشتغال زنان، ارزش های جامعه زنان، و حتی مردان را دستخوش تغییراتی سازد که آثار شگرفی بر فرد، خانواده و روابط اجتماعی بر جای می گذارند، افزون بر این، اشتغال زنان، به دلیل تاثیراتی که به جسم و روان زنان، روابط زناشویی، مادری، آسیب های اجتماعی، اقتصاد و اقتصاد ملی، جمعیت، و برخی امور دیگر دارد، موضوعی نیست که از نگاه دینی نیز بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. از سوی دیگر، تاکیدهایی که گروهی از مدیران و مسئولان نظام و طبقه های متدین و فرهیخته بر ضرورت یا رجحان حضور زنان در عرصه های اقتصادی مطرح کرده اند، ضرورت بحث درباره این موضوع را، له منزله حاشیه ای بر متن، دو چندان می سازد.

علل و عوامل رویکرد زنان به اشتغال

آمار اشتغال زنان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان می دهد که جز مقطع زمانی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، منحنی اشتغال زنان روند صعودی داشته است.^۳ مجموعه ای از علل و عوامل در هم تنیده شده اند تا برآیند تمایل روز افرون زنان به حضور در عرصه های اقتصادی باشد. در اینجا برخی از این موارد را برمی رسیم:

۱-۱- تحول در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی

در جوامع مختلف همواره زنانی به چشم می خورند که به دلیل ضرورت های شخصی و خانوادگی مجبور به کار در محل هایی دور از خانه می شدند. آنان در اوضاع خاص اجتماعی، چون زمان جنگ به فعالیت هایی

^۱-همان، ص ۲۰۴.

^۲-همان، ص ۱۱۴.

^۳-سایت مرکز آمار ایران، شهلا باقری، اشتغال زنان در ایران درآمدی بر عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران، ص ۲۱.

خاص مانند پرستاری می پرداختند. یا به مشاغلی چون آرایشگری و مامایی روی می آوردند که ورود مردان به آن عرصه ها چندان خوشایند نمی نمود.

دوران جدید اروپا که از قرن شانزدهم با نهضت فرهنگی- اجتماعی نوزایش (رنسانس) خود را از قرون وسطا متمایز ساخت، در واقع، محصول قیام طبقه متوسط شهری بر ضد اقتصاد فئودالی بود و سبب شد که طبقه جدیدی به نام طبقه سوداگر (بورژوازی) نبض تحولات اقتصادی را به دست گیرند. بورژوازی بر اقتصاد بازرگانی و صنعتی تکیه داشت و حیات خویش را در گرو مبادله آزاد تجاری می دید. این طبقه اساسا به ارزش های اخلاقی پایبند نبود و سودجویی و لذت خواهی در کانون توجه این قشر نوپا قرار داشت، و از همین روی به ترویج ارزش های مادی و فرد گرایانه پرداخت و فلسفه زندگی تازه ای پیش روی انسان غربی نهاد.

در این فرهنگ اومانیسم به این معنا بود که انسان مادی و زمینی تنها موضوع ارزشمند برای تلاش و اندیشه ورزی است و چیزهایی دیگر باید تنها بر این پایه تحلیل و ارزیابی شود. سکولاریسم به معنای تفکیک حوزه دخالت دین از حیات اجتماعی و پاک سازی جامعه و فضای زندگی از قیود و ارزش های دینی بود. نسبت آموزه های اخلاقی به این معنا بود که هیچ اصل اخلاقی فرا زمانی و فرا مکانی ای بر بشر حکومت نمی کند و هیچ چیز جز آزادی بشر ارزشمند نیست. فرد گرایی نیز عنصر اساسی بود که نشان می داد فرد، با همه ویژگی های فردی اش، معیار و میزان است، و نمی توان به بهانه ارزش های نوعی محدودیت هایی را بر فرد تحمیل کرد. اصول چهارگانه مزبور این نتیجه را در پی داشت که ارزش های انسانی جز پایه تمایل های افراد قابل تعریف و وصف نیستند، پس لازم است هر کس آزادانه در پی خواسته ها و امیال خویش باشد و هیچ چیز جز خواسته های دیگران نباید آن را محدود سازد. این انگاره همان چیزی است اصطلاحا به لیبرالیسم معروف است.^۱

لیبرالیسم اقتصادی، که آن را نظام سرمایه داری نیز می خوانند و مبتنی بر تبادل آزاد سرمایه و آزادی عمل سرمایه دار است، در پی مفاهیم، نظریه ها، روش ها، شاخص ها، روابط و سیاست هایی بود که به توسعه ثروت بینجامد. در ادبیات سرمایه داری کار، سود، بازار و کارفرما عتاصری تعیین کننده اند. بنابراین می توان حدس زد که در این ادبیات، ارزشمندی مقوله ای است که بر پایه تعریفی مادی از انسان، بدون توجه به اصول ثابت اخلاقی و با معیار قرار گرفتن موقعیت های اجتماعی فرد و جایگاه وی در تولید ثروت و در تبادل آزاد سرمایه تفسیر گردد.

^۱-محمدرضا زبایی نژاد و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۵-۳۴.

با نهادینه شدن این معیار، زنان اروپایی رفته رفته به این احساس دست یافتند که زنان در سراسر تاریخ در موقعیت فرو دست بوده اند، چون نه مناصب اجتماعی در میان آنان دست به دست شده و نه ثروت مستقیماً در دست آنان بوده است. از این روی، دستیابی به مشاغل درآمد زا و احراز مناصب اجتماعی به مطالبه ای برای زن غربی در فضای اجتماعی پس از انقلاب فرانسه تبدیل شد،^۱ و با منافع سرمایه داران بزرگ، که برای فتح بازارهای بین المللی به رقابت با یکدیگر پرداخته بودند و پایین آوردن قیمت محصولات را پیش شرط تسخیر بازار می دانستند، گره خورد. در این مقطع زمانی، پیدایش صنایع جدید و کارخانه ها به جدایی میان خانه و محل کار انجامید و برخی از تحولات اقتصادی و فرهنگی را نیز ناخواسته در پی داشت.^۲

۱-۲- تحول در ساختار اقتصادی

در چند دهه قبل، اشاعه آموزش به سبک جدید و در نتیجه بالا رفتن سن کار، سبب شده است که خانواده بخشی از نیروهای را که در گذشته به بازار کار می فرستاد از دست بدهد و نوجوانان که در گذشته نیروی کار و از منابع درآمد خانواده به حساب می آمدند به عناصر مصرف کننده تبدیل شوند. این موضوع تعادل مالی خانواده ها را از بین برده و سبب شده است زنان بخشی از فرصت های اشتغال را، برای تامین دستمزدی که در گذشته به فرزندان آنان تعلق می گرفت، درخواست کنند.

از سوی دیگر، سیاست ها و تحولات اقتصادی در دهه های اخیر سبب شده است نسبت هزینه ها به درآمد تغییر کند. برخی کارشناسان فقر گسترده و شتابان از آغاز سال ۱۳۶۹ تا کنون را ناشی از آثار منفی سیاست های اقتصادی آن دوره از جمله سیاست بازار گرایی افراطی و سیاست تعدیل ساختاری دانسته اند که به رغم سیاست های معطوف به یکسان سازی بهای ارز، حرکت به سمت قیمت های منطقه ای تر، دوری از ناکارآمدی دولتی و فعال کردن سرمایه های خصوصی، پدید آمدند.^۳

آنچه در دهه های اخیر بیش از فقر واقعی، که از آن به بینوایی تعبیر می کنیم، در تمایل به اشتغال زنان موثر بوده، احساس فقر است، یعنی احساسی که به شخص پس از مقایسه وضع اقتصادی خود با طبقات بالاتر دست می دهد.

^۱- نقش زنان در توسعه، ص ۷۰.

^۲- هایدی روزن باوم، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمد صادق مهدوی، ص ۱۱۹.

^۳- فریبرز رئیس دانا، تحول فقر در ایران، مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۳۶.

آثار و پیامدهای اشتغال زنان

۲-۱- تحولات هویتی

میل روز افزون به اشتغال را می توان هم نتیجه تغییرات هویتی در زنان دانست و هم موثر بر آن زنان، شاغل به دلیل آنکه باید سنگینی ایفای نقش های متعدد خانگی و اجتماعی را تحمل کنند، به الگوی تقسیم کار جنسیتی معترض می شوند.^۱ و مفهوم برابری به معنای تشابه نقش ها رفته رفته در ذهن آنان ارزشمند تلقی می گردد. از سوی دیگر، دستیابی به درآمدی مستقل می تواند روحیه استقلال طلبی و فردگرایی را در آنان تقویت کند، نتیجه تغییر نگرش ها و تمایل های زنان به تدریج مرزهای جنسیتی را در نظر آنان کم رنگ می سازد و آنچه تا دیروز ارزش های زنانه به شمار می آمد جای خود را به ارزش های جدید می دهد. نویسندگان کتاب جامعه شناسی انسانی بر این نکته تاکید می کنند که به تغییرات آشکار در شیوه زندگی ناشی از تغییرات حاصل در نقش زنان در اشتغال و زندگی خانوادگی است.^۲

بنابراین می توان انتظار داشت که با توسعه اشتغال زنان آثار تحولات هویتی زنان را، هم در حوزه فردی، به صورت واکنش در برابر آموزه هایی که بر تفاوت ها تاکید می کنند یا تفاسیر غیر روشمند از متون وحیانی مشاهده کنیم، و هم در روابط خانوادگی و اجتماعی.^۳

^۱-الهه رستمی، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، ترجمه رویا رستمی، ص ۲۱-۲۲.

^۲-پاترک نولان و گرهارد لسنکی، جامعه شناسی انسانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان. ص ۴۶۵-

^۳-هما ملا احمد رحیمی، بررسی پیامد اشتغال برای زنان و فرزند اول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ص ۱۴۹.

۲-۲- احساس رضامندی

در جامعه مدرن، خانه پیوسته در حال تنگ تر شدن است، هم از نظر جغرافیایی با کوچک تر شدن خانه ها، هم از نظر ارتباطی با محدود شدن ارتباطات طایفه ای و محلی، و هم از نظر ارزشی با تحقیر خانه داری و خانه نشینی، بنابراین ورود به فضای اجتماعی و عرصه اشتغال، حتی هنگامی که وظایف کاری نسبتا کسل کننده باشد، می تواند نیاز زن به ورود به عرصه های وسیع تر و کسب تجربه های نو را به همراه داشته باشد، نیاز به برقراری ارتباط با دیگران را تامین کند و او را از فضای خانه آزاد سازد، و به همین دلیل برای زنان لذت بخش است.^۱

از سوی دیگر، ارزش گذاری هایی که در فرهنگ مدرن درباره استقلال مالی و اشتغال صورت می گیرد، رقابت برای کسب موقعیت های شغلی را به مثابه یک ارزش جلوه گر می سازد و افرادی که در این مسابقه موفق به احراز مشاغل می شوند احساس پیروزی می کنند، به گفته استوارت از کمپ، هر چه شخص چیزی را بیشتر بخواهد و هر قدر چیزی برای او مهم تر باشد، پس از به دست آوردن آن خشنودتر خواهد شد و در فرض عدم دسترسی به آن بیشتر احساس ناکامی می کند.^۲

از اینجا می توان پاسخ این پرسش را به دست آورد که چرا با آنکه دریافتی زنان در برخی مشاغل کفاف هزینه های اشتغال آنان رفت و آمد را نیز نمی دهد دستیابی به موقعیت شغلی را یک موفقیت می دانند. آنان با احراز این فرصت ها احساس می کنند در جامعه موقعیتی دارند و از مهارت هایشان به طور مفید بهره می برند. به همین دلیل بسیاری از آنان می گویند حتی بدون نیاز مالی هم به کار ادامه می دهند.^۳

به نظر می رسد احساس رضایت مندی دختران مجرد بیش از مادران شاغل باشد، زیرا بسیاری اوقات، مادران از این که با انتخاب شغل از نگهداری فرزندان سر باز زده اند احساس گناه می کنند. نتایج بررسی انجام شده در کشور کانادا نشان می دهد که استخدام تمام وقت مادران بر اضطراب والدین درباره رفاه کودکان می افزاید و زیاد شدن روز افزون شمار مهد کودک ها از میزان نگرانی آنان نمی کاهد.^۴ برخی پژوهش های داخلی نیز نشان داده اند که هر چه علاقه زن به کار بیرون از منزل بیشتر باشد، احساس گناه و ناراحتی از نبودن در خانه و در کنار فرزندان کمتر می شود.^۵

^۱- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۵۴۲.

^۲- استوارت از کمپ، روان شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، ص ۲۶۰.

^۳- هما ملا احمد رحیمی، بررسی پیامد اشتغال برای زنان شاغل و فرزند اول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ص ۶۸.

^۴- بتول موسوی، بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، ص ۶۲.

^۵- همان، ص ۱۱۴.

۲-۳- تاثیر بر روابط مادر و فرزند

تاثیر مهم تر اشتغال را باید در رابطه میان مادران و فرزندان آنان جست. فاصله محیط کار از منزل در اشتغالات رسمی و حضور منظم در محیط کار در ساعت های طولانی از موضوعاتی است که توجه روان شناسان، متخصصان علوم تربیتی و جامعه شناسان را به خود جلب کرده است، چنان که بسیاری از روان شناسان و کارشناسان تربیت بیان کرده اند میان رشد عاطفی فرزند و دامن مادر، به ویژه در سه سال نخست زندگی پیوندی ناگسستنی وجود دارد، و سلامت روانی و عاطفی وی در گرو حضور فیزیکی مادر در کنار اوست.^۱

دانشمندان برجسته جامعه شناسی، مانند جان بالبی، بر این موضوع تاکید می ورزند که رابطه مبتنی بر دلبستگی کودک با مادر خود، زیر بنای شخصیت اوست. در صورت فقدان یا ناکامی بودن این دلبستگی اولی، کودکان به ویژه پسران به اشخاصی تبدیل خواهند شد که در ایجاد رابطه معنا دار با دیگران توانایی ندارند، بلسکی معتقد است مهد کودک ها رابطه پدر و فرزندی را نیز تضعیف می کنند، چرا که مادران شاغل تمام وقت بعد از ظهرها و آخر هفته ها که در خانه هستند، تمام توجه کودک را به خود اختصاص می دهند، از سوی دیگر، بررسی های دکتر هریسون اسپنسر نشان داد که کودکان مهد کودکی، دو تا هجده برابر بیش از دیگر کودکان در معرض بیماری های عفونی از اسهال تا بیماری های تنفسی اند.^۲

۲-۴- تاثیر بر اقتصاد خانواده

تاثیر اشتغال زنان بر بالا رفتن قدرت خرید خانواده انکار ناپذیر به نظر می رسد در بسیاری از کشورها زنان بیشترین فعالیت های بخش کشاورزی را بر عهده دارند و درآمد خانواده به فعالیت آنان بستگی کامل دارد.^۳ با این حال می توان در عمومیت این قاعده که اشتغال زنان بر وضعیت اقتصادی خانواده آثار مثبتی می گذارد، تردید کرد. اگر رضا مندی اقتصادی را نسبت میان درآمدها و انتظارات بدانیم، افزایش رضایت از زندگی منوط به مثبت شدن موازنه میان درآمد و انتظار است. بنابراین اگر درآمدها دو برابر شود اما انتظارات سه برابر گردد، نتیجه ای جز افزایش احساس فقر، حرص و ناراضمندی نخواهد داشت و بسیاری از خانواده ها حضور زن در عرصه اشتغال درآمدزا به تغییر مناسبات اجتماعی و ارزشی خانواده می انجامد، عزت مندی و آبروی خانواده را افزایش می دهد. در این حالت، اعضای خانواده در پی حفظ شئونات جدید و آبروداری برمی آیند و می کوشند تا با افزایش مصرف در مواردی که پیش از این از ضروریات زندگی تلقی نمی شد

^۱-سید محمد صادق مهدوی، خوانش انتقادی اشتغال زنان، حواء نشریه داخلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۸، آبان و آذر ۸۳، ص ۱۸.

^۲-ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، ص ۲۲۲-۲۲۴.

^۳- پاملا ابوت و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، ص ۱۲۶.

جایگاه اجتماعی خود را ارتقا بخشند. در این حالت، با تغییر احساسات خانوادگی به دلیل افزایش انتظارات روبه رو خواهیم شد چنین خانواده ای گر چه دارایی بیشتری دارد، ضرورتاً لذت بیشتری نمی برد. بر پایه تحقیقی در کشور آلمان، هشتاد درصد درآمد زنان در مصارفی هزینه می شود که اگر کار نمی کردند به آنها نیازی نداشتند، مانند غذا خوردن بیرون از منزل، مهد کودک، تعویض پی در پی لوازم قدیمی و استفاده از مدل های جدید.^۱ درآمدزایی زنان در صورتی که به تعدد مدیریت خانواده بر منابع مالی بیانجامد و هر یک از زن و مرد به دلخواه درآمدهای خود را هزینه کند، احتمال مصرف اقلام غیر ضرور را افزایش می دهد.

ورود درآمد بیشتر به خانواده و افزایش دغدغه مصرف، گاه می تواند دامی از سوی سرمایه داری برای خانواده باشد. در دهه های اخیر، افزایش میزان خریدهای قسطی و پرداخت وام های دراز مدت، خانواده را به مصرف هر چه بیشتر وسوسه کرده است و هر سال ده ها میلیارد دلار منفعت برای جامعه سرمایه داری به ارمغان می آورد، و اگر فقط بخشی از این استقراض، صرف خرید کالاهای تشریفاتی و غیر ضرور شده باشد، رقم درخور توجهی است. بررسی آثار قرض های مداوم بر خانواده، به ویژه بر آرامش روانی و تغییر ساعات هم نشینی اعضا در کنار یکدیگر ضرورتی است که چندان به آن اهتمام نشده است.

افزایش سطح انتظارات اقتصادی خانواده، در این فرض که زن دارای شغل موقت با ریسک پذیری بالا باشد، خطر بازگشت پذیری، موقعیت اقتصادی خانواده را نیز در پی دارد. خانواده ای که سطح زندگی خویش را بر پایه دو درآمد تنظیم می کند، با از دست دادن بخش درخور توجهی از درآمد خود نمی تواند با وضعیت جدید به درستی کنار آید و احساس فقر در این خانواده بیش از خانواده هایی است که از ابتدا معیشت خود را بر پایه یک درآمد تنظیم کرده اند.

۲-۵- تاثیر بر روابط خانوادگی

برخی پژوهشگران به این نکته اشاره کرده اند که اشتغال زنان، به دلیل کم کردن فشار اقتصادی از دوش خانواده، رضا مندی زوج را از زندگی افزایش می دهد. بنابراین زنان شاغل با همسران خود رابطه بهتری دارند.^۲ این سخن به ویژه درباره خانواده هایی که به درآمد زن متکی اند و حذف این درآمد شیرازه زندگی را از هم می گسلد، با این حال کارشناسان بسیاری به پیامدهای منفی اشتغال زنان بر روابط زناشویی تصریح کرده اند، بلاد می گوید: در بررسی اشتغال روز افزون زنان توجه ما معمولاً به زیان هایی جلب می گردد که دامن گیر کودکان می شود، ولی به پیامدهای ناگوار این وضعیت بر روحیه مردان توجه نمی کنیم. اگر زن

^۱ - سید محمد صادق مهدوی، خوانش انتقادی اشتغال زنان، حوراء نشریه داخلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۸، آبان و آذر ۸۳، ص ۱۷.

^۲ - هما ملا احمد رحیمی، بررسی پیامد اشتغال برای زنان شاغل و فرزند اول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ص ۱۴۸.

ازدواج کرد، نقش نان آوری را بر عهده گیرد، خطر رقابت با شوهر به میان می آید که برای وحدت و یکپارچگی خانواده زیان آور است.

افزون بر این، هنگامی که تقاضای مرتبط با کار و نقش های خانوادگی سبب کاستی هایی در ایفای نقش های خانگی شود، احتمال بروز تنش در روابط زن و مرد افزایش می یابد.^۱ در این زمینه البته باید تحولات ارزشی در میان زنان را نیز در نظر آورد. به گفته تونی گرنت، احترامی را که زنان در گذشته برای همسرانشان قائل بودند اکنون به افراد متعددی انتقال داده اند که از لحاظ حرفه ای در بازار کار مورد تحسین شان هستند. اما تمکین کردن مرد گناهی مرگ بار و منتهای بی احترامی به زن تلقی می شود. استقلال ستیزه جویانه زن چیزی به مردان نداده است تا از او حمایت کنند؛ به همین دلیل زنان از سوی همسرانشان نیز حمایت نمی شوند.^۲

^۱- محمد باقر سارو خانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ص ۱۷۰-۱۷۱.

^۲- تونی گرنت، زن بودن، ترجمه فروزان گنجی زاده، ص ۹۶.

نتیجه گیری

اشتغال زنان می تواند مصلحت های مهمی چون تامین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع را در پی داشته باشد، چنان که می تواند مخاطراتی را در پی آورد که نباید به سادگی از آنها گذشت. از سوی دیگر، فرصت زمانی بیشتر، تحصیلات و امکانات ویژه ای که برای نقش آفرینی زن امروز وجود دارد وی را به سمت ایفای نقش های اجتماعی، از جمله در شکل احراز فرصت های شغلی می کشاند. نظام مدیریت اجتماعی می تواند این ظرفیت را به منظور افزایش حس هم گرایی عمومی، گسترش ارزش های اخلاقی و استحکام و پویایی خانه و اجتماع به کار گیرد یا با به کارگیری مفاهیم، ارزش ها و شاخص های جهان مدرن در توسعه اشتغال زنان، به تقویت نظام سرمایه داری و به محاق بردن خانواده کمک کند. انتخاب سبک زندگی مدرن، که گاه با ویژگی های بومی از جمله نظام مقایسه در هم می آمیزد مخاطراتی را برای خانواده و جامعه در پی داشته است که سیاستگذاری و برنامه ریزی برای رهایی از آن یک مسئولیت اجتماعی به شمار می آید.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ قمری.
- ۲- ابوت، پاملا و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- ازکمپ، استوارت، روان شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
- ۴- اسلون فیدر، شرلی، بار سنگین زنان شاغل، ترجمه مینا اعظامی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- اسنایدر من، نانسی و استریپ پک، کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، ترجمه اکرم اکرمی، چاپ سوم، صابرین، تهران، ۱۳۸۶.
- ۶- باقری، شهلا، اشتغال زنان در ایران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۷- تقدسی نیا، خسرو، احکام اختصاصی دختران و زنان، انتشارات ائمه علیهم السلام، قم، ۱۳۷۹.
- ۸- جلالی کندی، سهیلا، مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و حدیث، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۹.
- ۹- حجازی، قدسیه، جرائم زن در ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۱.
- ۱۰- خمینی، سید روح الله، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی و قاضی زاده، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۶.

- ۱۱- دانش، عصمت، اشتغال زنان و مسائل آن از چشم اندازه‌های مختلف، دریای اندیشه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۲- رستمی، الهه، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، ترجمه رویا رستمی، جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۳- سارو خانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، جلد ۲، سروش، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴- سایت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، کد خبر، ۱۰۷۵.
- ۱۵- سایت مرکز ملی آمار ایران.
- ۱۶- گرت، تونی، زن بودن، ترجمه فروزان گنجی زاده، ورجاوند، تهران، ۱۳۸۱.